

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده : طارق

۱۱.۰۷.۱۰

به اداره محترم پورتال!

چند یوم قبل از میان اسناد یکتن از مبارزینیکه نسبت مریضی وفات یافته به جاودانگی پیوست، اعلامیه اولین سالگرد شهادت جانگداز رفیق شهید ملنگ "عمار" را به دست آوردم . نسبت اینکه این اعلامیه بعد از گذشت ۳۰ سال دست خوش حوادث دیگری نشود و نسل جوان کشور نسبت به تاریخ مبارزان راه آزادی ورهائی ستمکش ترین طبقات، شناخت در خور فهم داشته باشند؛ این اعلامیه جهت نشر به اداره پورتال ارسال گردید. باشد نزد سایر انقلابیون کشور ما اگر چنین اسنادی مربوط جنبش انقلابی وجود داشته باشد جهت ماندگاری و آگاهی نسل جوان به اداره پورتال ارسال نمایند.

"طارق"

یادداشت:

با ابراز امتنان خدمت همکار گرامی ما آقای "طارق" به خاطر محبت شان نسبت به پورتال خودشان، و ارسال درود های رزم بی پایان متصدیان و همکاران پورتال به یاد آن فرزند دلیر و از جان گذشته مردم زنده یاد "ملنگ عمار"، به پیشنهاد ابتکاری آقای "طارق" پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" نیز ارج فروان گذاشته، حاضر است برای حفظ دایمی همچو اسنادی صفحه خاصی را زیر عنوان اسناد جنبش انقلابی به وجود آورده امکان دسترسی به آن را نیز سهل بسازد.

یاد "عماران" گرامی و راهشان پر رهرو باد

اداره پورتال AA-AA



کسی از ما اگر بر خاک افتد ،
ده ها تن دیگر بپا خیزند .
که سرگ ما نه هسر سرگیت ،
و شود ما نه هسر شود ی .

جاودان باد خاطره پر شکوه ملنگ " عسار " }

ملنگ فرزند مبارز و فراموش نشدنی مردم ، عضو فعال و کادر برجسته " سازمان آزادبخش مردم افغانستان " در سال ۱۳۳۱ هـ ش در قریه سید خیل ولسوالی جبل السراج مربوط ولایت پروان ، در یک خانواده فقیر هقانسی دیده بجهان کشود .

این مبارز دلیر میگفت : " زندگی بس فقیرانه خانواده گی ونداشتن فرزند دیگری باعث آن شد که والدینش اسم او را " ملنگ " گذارند . چه می بینیم در جامعه ای که ستم طبقاتی پیدا میکند ، نامگذاری نیز وجه طبقاتی مسی داشته باشد . " وی با آنکه در یک خانواده فقیر و غریب هقانس تولد یافت ، ولی از او آن کودکی دارای نکسوت و استعداد ، متانت و شجاعت بود . زیرا فرزند زنج و زحمت بود .

در سال ۱۳۳۲ شامل مکتب گردید . در مکتب نیز از زوره شاگردان گوشا ، زحمتکش و ممتاز صنف خود به شمار میرفت . طی سالهای ۱۳۴۷ بعد که جنبشهای اعتصابی و تظاهراتی روشناگران و کارگران سراسر کشور را فرا گرفته بود ، رفیق گرامی ملنگ هم بحالت زندگی فقیرانه ورنجدیده خود ، متأثر از این جریان گردیده ، بصرف مظاهره چیان و اعتصاب کنندگان پیوسته بزندگی مبارزاتی و انقلابی گرایش نمود . دیگر این روزنده انقلابی طبیعت اصلی فقر و سیه روزی خود و ملیونما هموطن خوشرا بخوش میدانست . زندگی فقیرانه و پر زحمت نقش آموزنده آ داشته و بدرك وی کمک نمود که چرا عده ای مستمک و عده ای ستمکش میشوند و راه نجات مظلومان و ستمکشان را از زیر پرغ ظالمان و ستمگران نیز دریافته بود . وی دریافته بود که راه چاره مبارزه و مقاومت و آنهم مبارزه و مقاومت مستسلاحانه میباشد .

این مبارز قهرمان در برانگیختن اعتصابات و تظاهرات متعلمین و کارگران منطقه و سازماندهی آنها نقش برجسته ای داشته ، چنانیکه میتوان نقش رهبری کننده و برادر جنبش کارگران نماجی گلپهار و تظاهرات لیسنه جبل السراج و سایر مکاتب در منطقه یاد کرد . این رفیق گرامی و مبارز درشتینگ ها و تظاهرات با ادبیات رسوا نامه هم خود سخنرانی کرده و با اشعار انقلابی و پرسوزیکه میسرود همه را بوجد می آورد .

رژیم ارتجاعی ظاهر شاه و دستگاه استعداد کش آن که به روشنفکران انقلابی نیز همانند دیگر روزندگان بنابه خارجش مینگریست و همیشه در پی اذیت ، محکومیت ، سوزش و تهدید و توقیف آنها بود ، این روزنده انقلابی را نیز از آماج حمله برکنار نمود و راه ادامه تحصیل را بر روی بست واز صنف دهم جبراً اخراج اش نمود .

بعد از آن در اثر توطئه نا جوانمردانه اربابان زور و زور در محل مدتی زندانی گردید . رفیق ملنگ زندان را هم به صحنه مبارزه تبدیل نموده بود . بعد از سپری شدن دوره زندان با جدیت و قاطعیت هر چه تماشاگر مبارزه خود را ادامه داد که پایین سبب پار دگراز طرف رژیم مستبد شاهي گرفتار گردید . اما در این نوبت رفیق با زرنگی و هوشیاری خاص خود هز روز کس رژیم را گول زد ، موفق به فرار گردید که بعد از آن در اثر تعقیب دستگاه های پلیسی و نوکران زور خرید شان در محل ، رفیق زندگی مخفی را اختیار و با مدت چهار سال فعالیت پر شور و قرار گرفتن در پروسه داغ عملی مبارزه ویرا چون بولد آیدیده ساخت .

در سال ۱۳۵۲ زمان کودتای قلابی داد رفیق دوباره زندگی قانونی را اختیار کرد . مدتی بحیث کارگر در وزارت فوائد عامه ایفای وظیفه مینمود . زندگی کارگری ویرا هر چه بیشتر عاشق کار و پیکار و مساخت و روحیه زینگی بوی میبخشید . در ماه اسد سال ۱۳۵۴ از طرف پلیس رژیم دادوی دستگیر و زندانی گردید . مدت دو ماه بشکل بسیار وحشیانه شکنجه میشد . با آنکه اسواری زیادی در سینه داشت ، ولی لب راز داریش تم نزد ویه خیانت به یاران و مردمش باز نشد . آنطوریکه "عصار" (قوی درایمان) تخلص میکرد بحق در برابر دشمنان دادوی چون کوه ایستاد و خم نکشت . مقاومت و زرنگی انقلابی ویرا مزدوران ابله رژیم را دچار ضعف و درماندگی ساخت . شکنجه هاییکه که وی تحمل میشد بیشک تحمل آن از عهد "یک فرد انقلابی راستین چون ملنگ ساخته بود و بس . بعد از سپری نمودن دو ماه زندان و تحمل شکنجه های وحشیانه ویرا گردید و همچنان شاداب و پرتلاش با قاطعیت صد چند از پیش بفعالیت انقلابی و مبارزاتی خود ادامه داد .

با بمیان آمدن کودتای تنگین هفت ثور ۵۷ و تسلط باندهای وطن فروش " خلق و پرچم " توام با اعمال ستم ، استبداد ، وحشت و ترور بالای مردم عادی ، انقلابیون هم مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته در بند و زنجیر کشیده شدند . رفیق ملنگ هم چون ازین ناحیه احساس خطر مینمود ، دوباره زندگی مخفی را اختیار نمود تا اینکه بتواند فعالانه در پهلوی سایر همزبان خود در مقابل توطئه گران روسی و چاکران هرزه آنها مبارزه نماید .

فعالیت های انقلابی این مبارز دلیر چه در دوران زندگی قانونی و چه در دوران زندگی مخفی اش در بسیج و سازمان های و پیروان انقلابی وفاق و سایر زندگیشان در خور تعبیر و یاد آور است . رفیق ملنگ بیهراس از دشواری و خطر شب و روز در تلاش بود و خستگی نمیشناخت . دشمن هم به کیفیت انقلابی رفیق پی برده بود و آنرا چون خاری در چشمش میدید و وحشیانه بخاطر گرفتاری اش جان میکشید . در این گبرو دار متا مقاصه رفیق شجاع و دلیر ما - ملنگ - شب اول سرطان ۱۳۵۸ در یک تصادم غیر مترقبه با گروه چوپه سگان روسی بهمر ۲۷ سالگی شهید شد . روحش شاد !

آری ! ملنگ فرزندی قهرمان ملت ما خون پاکش را نثار راه آزادی وطن و مردمش نمود تا سرمشق خوبی برای همه رزمندگان راه آزادی باشد . ما براهی که با خون این شهید مبارز سرخ شده به پیش میرویم . اگر ملنگ مُرد آرمانش جاودان است . آرمان مقدس ویرا تا دم مرگ دنبال میزنایم . با شهادت این مبارز دلیر " سوگین میزان " جفا پیشه احقانه تصور میکنم ند که کار ما در منطقه یکطرفه شده و بزودی دیگر همزمان ویرا نیز گرفتار خواهند ساخت ، غافل از این حقیقت که : با شهادت فرزندان مبارز ملت ، فرزندان دیگری پیا خاسته ، سلاح رزم آنها را بر میدارند و مردانه میزنند و از هر قطره خون جوانان جانباز هزاران مبارز دیگر بپا میخیزند .

هر شب ستاره ای بزین میکشند و باز این آسمان غمزه فرق ستاره هاست

ملنگ فرزندی راستین مردم خویشتن بود . وی در راه مردم و وطنش جان خود را فدا ساخت . او در قلوب همه مردم شریف و حق شناس خود جای دارد . خاطره او هیچگاه از دل مردم شیرین نرفته و نخواهد رفت . گرامی باد خاطره فراموش نشدنی ملنگ جانباز !

بخش خیر شهادت رفیق ، مردم را فرق در اندوه و ماتم نمود ، ولی خشم و نفرت شانرا نسبت به دشمن صد چندان ساخت . با شهادت ملنگ قهرمان ، فعالیت انقلابی در منطقه قطع نشد و صدای دشمن سوز تنگ وی خاموش نگردید . یارانش پیشاپیش مردم ، با ایمان کامل و اراده خلل ناپذیر در راه طرد تجاوز و نابودی وطن فروشان و پاکسازی میهن از وجود کثیف آنها تا سرحد " مرگ یا پیروزی " رزیده و میزنند .

جنايتكارانی چون هیدالله و برادرش که در شهادت رفیق قهرمان ما - ملنگ - مستقیماً شرکت داشتند ، بعد از طرف همزمان وی بکثیر اعمال خویشتن رسیده و اعدام گشتند تا وطن فروشان و جانیان " خلق و پرچم " بدانند که مرگ ما نه هر کجاست - و برد ما نه هر بودی !

هم اکنون مردم ما شاهد فرار توله مگان گزگزگی از روستا ها در زیر حمایت برچه های روسی بشهرها میباشند . ولی باین چاکران هرزه و وطنفروش حالا دیگر در میان زرهپوشها و تانک ها در پهلوئ باداران روسی شان نیز جای امنی سراغ نمیگردند ، چه جنبشهای اعتصابی و تظاهرات دانشجویان در شهرها - خصوصاً شهر کابل - این عرصه را نیز بر آنها تنگ نموده است . کاش ملنگ در کنار ما بود تا شاهد فرار این آرواشان هرزه از زادگاه خویش و دیگر روستاهای کشور میبود .

ملنگ نمونه یک انقلابی منضبط ، طامع و دور اندیش بود . خشم و نفرت بیحد و بی نسبت بد شمن ، عشق و ایمان عمیق به مردم و انقلاب ، نیندیشیدن بمنافع شخصی ، حسرتینهایت عمیق وظیفه شناسی در کار و پیکار انقلابی و علاقه بینهایت آتشین و بی نسبت بر ققاء و مردم - از صفات بارز و برجسته این رفیق پاکباز ما بود . هر کجائی کسه مشکلترین کارها میبود خود پهمده میگرفت . هر کجا که دشواری ای در کار بود وی گره کشائی آن بود . واضحست که از اینگونه انسانهای خود گذر و انقلابی چون ملنگ قهرمان در کارزار جنگ آزاد بیخش مردم ما کم نبوده و نیست . مبارزه و مقاومت دلیرانه و مرگ قهرمانانه هر یک آنها الهامبخش کار و پیکار مبارزین انقلابی میهن پر افتخار مسافغانستان است . افتخار بر همه آنها !

امپریالیستهای متجاوز روسی و جانیان وطنفروش پرچم و خلق !

باید بدانید که خون ملنگ ها و هزاران شهید مبارز و میهن دوست کشور که تنها گناه شان عشق به آزادی و کینه به دشمنان خارجی و دست نشانگان و وابستگان ایشانست - یا مال نداشتن است . خون این شهدا گرفته شد نیست . با زندان ، کشتار ، وحشیگری و پیرانگری نمیتوانید روح آزادیخواهی و ندای حق طلبی مردم را خفه کنید . مردم ما اکنون مصمم و یکپارچه شده اند تا خود میهن خویش را آزاد سازند و در این راه از هیچگونه قربانی های لانه نمی هراسند . آینده شما جنایتکاران چون گذشته تان منتهی صد چندان بیشتر تیره و آسفناک است . بزودی کيفر اعمال ضد ملی و ضد انقلابی خود را خواهید چشید . آنروز ای که بخاطر اعمال ردیلانسه و جنایتکارانه تان پهای میز محاکمه مردم کشانیده شوید چندان دور نیست .

هموطنان دلیر و همزمان شجاع !

راه اگر دور و ناهموار است - آینده تابناک و روشن است . از مشکلات و قربانی نهراسیم تا پیروز شویم . یاد نام آوران کلگون کفن و شهیدان راه آزادی الهامبخش ما در جنگ آزاد بیخش ملی است .
افتخار به شهدائی که در زندانهای سیاه و در بسته رژیم مزدور روس وحشیانه ترین شکنجه ها را بجان خریدند و جام شهادت نوشیدند و لب به خیانت نگشودند . افتخار به مادرانی که چنین فرزندان را در دامان مرد آفرین خود پرورانیسندند .

جاودان باد خاطره پر شکوه ملنگ " عمار " !

فرخنده باد اولین سالگرد شهادت ملنگ قهرمان !

مرگ بر امپریالیتم متجاوز روس و باندهای وطنفروش پرچم و خلق !

یا مرگ یا آزادی !

سا زمان آزاد بیخش مردم افغانستان

سرطان ۱۳۵۹